



کمک به نیازمندان

چرا با این همه نیازمند در کشور، هر سال چندین میلیارد

تومان برای سفر حج هزینه می‌شود؟

برپایه هر امری با توجه به ارزش و اهمیتی که دارد قطعاً هزینه درخور خود را دارد. شکی نیست که خدمت به مردم و رسیدگی به مشکلات آنان خصوصاً مستمندان و نیازمندان از امور مهم و اساسی شمرده می‌شود و باید مورد توجه همگان خصوصاً افرادی که دارای نقش و اثر در این زمینه هستند قرار گیرند، اما در جامعه اسلامی و شیعی امور مهم فراوانی (اعم از واجب و مستحب) وجود دارند که به هر کدام در جا و در زمان خود و به فراخور آن باید توجه و رسیدگی شود و توجه و عنایت به یک امر نباید ما را از رسیدگی به امور دیگر بازداشتند و یا غافل کند و این همان آموزه‌ای است که از مکتب اهل بیت آموخته‌ایم.

حج و اعمال و مراسم آن مانند نماز و روزه و سایر عبادات و امور مهم دیگر (مانند کمک به فقرا و…) یکی از **دستورات دین است** که **دارای کارکردهای فردی و اجتماعی** است و به‌جا آوردن آن بر **مسلمان توأمند و دارای شرط در طول عمرش یک بار واجب می‌باشد** و قطعاً **عمیرت آن کمتر از امور خیر دیگر نیست** و **مصلحتی برای حاجی در آن نهفته است** که **انجام اعمال خوب دیگر نمی‌توانند جایگزین آن شوند** همان‌گونه که اعمال نیکوی دیگر نمی‌توانند جای حاجی در آن نهفته است که انجام اعمال خوب و مصلحتی برای حاجی در آن نهفته است که انجام اعمال خوب دیگر نمی‌توانند جایگزین آن شوند همان‌گونه که اعمال نیکوی دیگر نمی‌توانند جای نماز را بگیرند،مثلاً کسی نماز بخواند و در وقت نماز کار کند و هزینه‌اش را به فقیر بدهد و یا هنگام نماز به جای نماز کارهای خیر دیگر انجام بدهد، پس هر سخن را جا و هر نکته را مکانی باید.

بر اساس آموزه‌های اسلامی و دینی وظیفه داریم هر کار و تکلیفی را در جای خویش و به فراخور خود انجام دهیم و انجام حج واجب نیز نباید ما را از انجام دیگر تکالیف و امور خیریه بازداشتند و ی‌ا غافل کند، همین‌طور توجه به امور دیگر نباید ما را از زیارت خانه خدا و اعمال ارزشمند و آثار مرتب بر آن، که به برخی از آنها اشاره می‌شود بازدارد، چرا که از مؤمن واقعی کسی است که به همه وظایفش به خوبی عمل کند.

فلسفه حج

هر ساله صدها هزار نفر مسلمان از مشرق و مغرب جهان یک اجتماع باشکوه و بزرگی را تشکیل می‌دهند تا در تهذیب اخلاق خود بکوشند و در کنار مرکز وحدی یعنی کعبه در سایه توجه به خداوند اختلافات نژادی، طبقاتی، سیاسی و تجملات را که فاصله‌های عمیقی میان آنها ایجاد کرده کنار بگذارند و به مشکلات اجتماعی و سیاسی یکدیگر برسدند، درس همکاری و همفکری و نظم و وحدت و اتحاد بخوانند و در مقابل دشمنان دین و نیروی مرموز استعمار جبهه یگانه بگیرند.

بر اساس آموزه‌های اسلامی و دینی
وظیفه داریم هر کار و تکلیفی را در جای خویش و به فراخور خود انجام دهیم و انجام حج واجب نیز نباید ما را از انجام دیگر تکالیف و امور خیریه بازداشته و یا غافل کند، همین‌طور توجه به امور دیگر نباید ما را از زیارت خانه خدا و اعمال ارزشمند و آثار مرتب بر آن بازدارد
چرا که مؤمن واقعی کسی است که به همه وظایفش به خوبی عمل کند.

هدف اسلام از مراسم حج این است و برای تحقق بخشیدن به این هدف مقدس، آداب و دستورات متین و دقیقی قرار داده، با این دستورات می‌خواهد انسان را از جایگاه مادی جدا کرده و در محیطی پُر از معنویت فرو برد.
تشخیص‌های مادی، جنگ و جدال‌ها، هوس‌های جنسی، لذات مادی و خیلی از درخواس‌های نفسانی را کنار بگذارد و یک نوع ریاضت مشروع الهی دست بزند و دل و قلب خود را از مصمم جان متوجه خداوند کند و خواسته‌های نفس حتی مشروع آن را تا مدتی در حال احرام –فراهمش کند و فارغ از همه چیز به راز و نیاز با خداوند توانا و بلندمرتبه بپردازد و نوش‌های خوری خود بپرچند، همچنین نیروی معنوسی خود را تقویت کند تا در روزیاری با خواهش‌های نامشروع نفس و معنوسه‌های شیطان در دیگر روزها هم بزنواند مقابله کند و تسلیم آنها نشود و مسیر بندگی را همچنان بپیماید.
به این مطلب در روایات اشاره شده، به طور مثال امام رضاع(ع) که از اسرار حج سؤال شده بود فرمودند:
«سیر و حرکت به سمت خداوند متعال به سختی انداختن بدن و منع آن از شیوات نفسانی، خضوع و خشوع و خاکسار شدن در گرمای و سرما و…»
انجام اعمال چه واجب و چه مستحب باید آراسته و بی‌آلایش و به دور از زیناده‌وری و اسراف باشد و حج جایی است که مؤمنانی می‌توانند از مزایای و منافع شیعی و اخلاقی خوددارند کرده و به جای صرف مبالغ زیاد و بی‌مورد (بی‌موردی که یک نوع رشادت رایج است) آن را در جای بهتر و امور مهم‌تر که به صلاح دین و دنیا است هزینه کنند.

استفتاء
از رهبر معظم انقلاب اسلامی

ناتوان شدن امام جماعت از ادامه نماز

س) اگر امام جماعت به هر دلیل نتواند نماز را ادامه دهد، آیا نمازگزاران می‌توانند با فرد دیگری که شرایط امامت را داراست، نماز جماعت را ادامه دهند؟
ج) نمازگزاران می‌توانند یکی از مأمومان که شرایط امامت دارد را مقدم کنند و نماز را با اقتدا به او ادامه دهند.

استفاده از مال شبهه‌ناک برای اطعام عزاداری

س) آیا برای اطعام عزاداری و تهیه غذای نذری، استفاده از پول یا مواد غذایی کسانی که خمس نمی‌دهند یا حلال بودن مال آنها مشکوک است، جایز است؟
ج) استفاده از پول و مواد غذایی یاد شده اشکال ندارد.

یکی از زیبایی‌های اسلام، توبه است. توبه به معنای امکان بازگشت انسان از گناه و پاک شدن دوباره است به‌گونه‌ای که گویا دوباره متولد شده است. توبه بذرای امید را در دل‌های گنهکاران می‌کارد و افسردگی و نوسیدی را از انسان می‌گیرد و او را برای بازسازی مسیبر و حرکت رو به جلو و رشدی آماده می‌کند. توبه در اسلام واجب است و از هر انسانی خواسته شده که از مسیر گمراهی و گناه به سوی خدا بازگردد و از فرصت کوتاه عمر برای خوشبختی آیدی بهره گیرد. خداوند توبه‌پذیر است و هر گناهی را در هر درجه‌ای باشد تا پیش از مرگ می‌پذیرد. البته درهای توبه با کشف‌الغطاء و برطرف شدن پرده‌ها در هنگام احتضار و پس از آن بسته می‌شود. نویسنده در این مطلب درباره اهمیت توبه و آداب و شرایط آن سخن گفته است.

اهمیت و ارزش توبه

توبه از «توب» و به معنای رجوع و بازگشت است. (معجم مقاییس‌اللغه، ج ۱، ص ۲۵۷، «توب») توبه از سوی بنده، بازگشت از معصیت و خطا و پشیمانی از آن است و از جانب خدا، پذیرفتن توبه او است. (معجم‌البیان، ج ۱-۲، ص ۲۰۰، لسان‌العرب، ج ۲، ص ۶۱) این لفظ هرگاه به بنده نسبت داده شود با حرف «الی» و هرگاه به خدا نسبت داده شود، با حرف «علی» به کار می‌رود.

توبه در زندگی انسان تاثیر بسیار زیادی دارد؛ چرا که لظظه لحظه‌های زندگی او را تحت تاثیر مستقیم خود دارد. در هر انسانی چیزی است که از آن به نام فطرت یاد می‌شود که گرایش به خوبی‌ها و کمالات دارد و از بدی‌ها و نواقص‌گریزان است. همین چیز نفس انسانی را به‌شدت تحت تاثیر خود قرار می‌دهد و هرگاه خطایی از نفس سر زد و تحت تاثیر نفس اماره (یوسف، آیه۵۲) یعنی امرکننده به بدی‌ها و زشتی‌ها از کمال و زیبایی‌های انحراف یافت، نفس لوامه(قیامت، آیه۲) و سرزشتگر که گاه از آن به وجدان یاد می‌شود، وارد می‌شود و او را به بازگشت دعوت می‌کند. این جنگ درونی در انسان‌ها همواره

توبه به انسان این امکان را می‌دهد که بدی‌ها و زشتی‌ها را به نیکی‌ها تبدیل کند و از زشتی‌ها برهد و خود را پاک و پاکیزه نماید و راه تزکیه نفس را ببیناید و به سعادت دنیا و آخرت برسد.

برقرار است تا در دنیا برود یا اینکه به مقام مخلصین برسد که به معنای خالص شده است به‌گونه‌ای که دیگر هواهای نفسانی آن فرد غلبه و چیرگی بر او نیست و از عصمت برخوردار است. در این زمان نه‌تنها دشمن بیرونی از شیاطین با وسوسه‌های خویش راهی بر او نداردند، بلکه هواهای نفسانی نیز رام او هستند و از طهارت و پاکی و خلوص تمام برخوردار هستند. (یوسف، آیه ۲۴؛ حجر، آیه ۴۰، صافات، آیت ۴۰، ۷۴، ۱۲۸، ۱۶۰ و ۱۶۹؛ ص، آیه ۸۳)

نفس لوامه(سرزشتگر) و این وجدان بیدار هر انسانی، هر گاه امر ضد کمالی و زشتی را ببیند اندوهگین می‌شود و خواهان توبه و بازگشت و اصلاح امر می‌گردد؛ چرا که می‌داند اگر چنین اتفاقی نیفتد و امکان توبه و بازگشت نباشد، دیگر نمی‌تواند کمالی را درک کند و در مسیر رشدی قرار گیرد.

توبه به انسان این امکان را می‌دهد که بدی‌ها و زشتی‌ها را به نیکی‌ها تبدیل کند(فرقان، آیه ۷۰) و از زشتی‌ها برهد و خود را پاک و پاکیزه نماید و راه تزکیه نفس را ببیناید و به سعادت دنیا و آخرت برسد.(نور، آیات ۱۴ و ۲۱، اعراف، آیات ۱۵۵ و ۱۵۶)

زنگارهایی را که بر قلب از گناه نشسته می‌توان با آب توبه جلا داد و دوباره اینه دل را جلوه‌گامه و صفات الهی کرد و طهارت قلب و روح را به دست آورد و خود را چون کودکی نوزاد از هر زشتی و الودگی رهایی بخشید و پاک و پاکیزه کرد.(تحریم، آیه ۴) خداوند به هر انسانی تا دم مرگ و هنگام احتضار، این امکان را داده است تا از گناهان خویش توبه کند و بدی‌ها و زشتی‌های گناه را جبران کند و از آثار و تاثیرات دنیوی و اخروی آن رهایی یابد(حافظ، آیات ۱۵ و ۱۶، تحریم، آیه۸) و اسباب دوباره رسیدن به خیر و کمال مطلق را فراهم آورده(توبه، آیات ۳ و ۷۴) و دوباره زمینه برخورداری توبه کار را در رحمت الهی تحقق بخشد.(بقره، آیات ۵۴ و ۱۶۰؛ اعراف، آیه ۸۹)

کسی که توبه می‌کند، در مسیر تقوا قرار می‌گیرد(مریم، آیات ۶۰ و ۶۳) و موجبات قبولی اعمال خود در پیشگاه خداوند را فراهم می‌آورد(احقاف، آیات ۱۵ و ۱۶)؛ چرا که اعمال توبه

به هر چند توبه یک چک سفید امضا از سوی خداوند برای بازگشت از گناه است اما همگان توفیق توبه پیدا نمی‌کنند؛ زیرا افزایش گناه دل‌ها را دگرگون می‌کند و شخص به‌گونه‌ای تحت تسلط نفس اماره در می‌آید که دیگر وجدان و نفس لوامه با سرزنش‌هایش نمی‌تواند او را تغییر کند. حتی زمانی می‌رسد که نفس لوامه دفن می‌شود و نفس اماره حاکم مطلق می‌شود و زشتی‌ها را زیبا جلوه می‌دهد و با تسویل و تزین، شخص را از حقایق دور می‌سازد و امکان توبه را از او می‌گیرد. خداوند می‌گوید دل‌های گناهکاران کافر و منافق را مهر می‌نهد، به سبب همین کاری است که خود آنان با دست‌های خود مرتکب شده و بر سر دل و قلب خود آورده‌اند.(بقره، آیات ۸ تا ۱۲) خداوند باید توفیق توبه را به انسان بدهد، به این معنا که از رحمت خویش و فضل و عنایت خاص می‌بندد نگاهی اندازد و با آنکه دل‌ها زنگار گرفته

معارف

MaarefKayhan@Kayhan.ir

توبه

امتیاز ویژه خدا

به بندگان

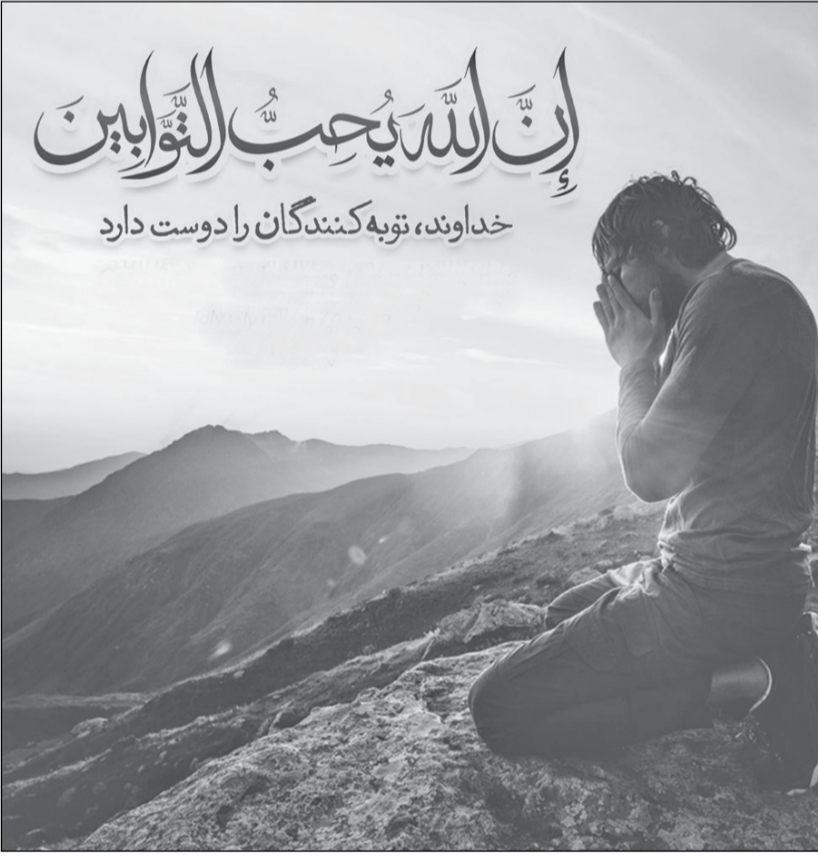
علی جوآرده‌ی

توبه پذیرفتنی نیست؛ چرا که کشف‌الغطاء صورت گرفته و بنیادلی اجباری اتفاق افتاده و چشم بصیرت با کنار رفتن پرده‌ها باز شده و دوزخ و آتش‌های آن نمودار گشته است.(ق، آیات ۲۱ و ۲۲، تائثر، آیات ۶ و ۷) از این رو دیگر امکان بازگشت (مؤمنون، آیات ۹۹ و ۱۰۰) و توبه نیست، چنان‌که توبه فرعون در هنگام احتضار و دیدن عذاب دوزخ در هنگام غرق شدن پذیرفته نشد.(یونس، آیه ۹۰)

اما توبه در جوانی یک زیبایی دیگری دارد؛ چرا که امکان رشد و تعالی و بهره‌مندی از فرصت عمر و خدایی شدن برای او فراهم‌تر است. پیامبر(ص)

این تنها گوشه‌های از آثار توبه در زندگی مادی و معنوی و نیز دنیوی و اخروی است. از همین‌جا می‌توان دریافت که توبه تا چه اندازه در زندگی انسان‌ها ارزش و اهمیت دارد و از همین‌روست که یکی از بزرگ‌ترین زیبایی‌ها و کمالات دین اسلام را باید در همین توبه دانست. این در حالی است که در قوانین بشری خیری از توبه نیست و محکومان و مجرمان براساس دادگاه‌های آستان و قوانین آن، هر گز نمی‌توانند مسیر بازگشت و توبه‌ای داشته باشند و به زندگی پیشین و پاک خود برگردند؛ از این‌رو از بسیاری از منافع شهروندی محروم می‌شوند؛ در حالی که براساس آموزه‌های اسلامی، توبه‌کاران از فواید شهروندی برخوردار خواهند بود و اگر نشانه‌های توبه در شخص دیده شود، با او همانند یک مسلمان غیرمجرم برخورد می‌شود و حتی گواهی و شهادت او پذیرفته می‌شود؛ چرا که پذیرفتن گواهی به معنای پذیرش صافات اوست در آنچه دیده و تحمل شهادت کرده است.(نور، آیات ۴ و ۵)

به سبب نقش مهم و تاثیرگذار توبه در زندگی انسان، توبه از واجبات قرار داده شده و خداوند از بندگان خود خواسته در هر حالی و نسبت به هر گناه کوچک و بزرگ توبه کنند و به سبب خود و حق و صراط مستقیم انسانیت و اسلام بازگردند. (نساء، آیات ۱۷ و ۱۸؛ توبه، آیات ۳ و ۷۳ و ۷۴؛



نور، آیه ۳۱؛ بروج، آیه ۱۰)
از آیات قرآن این معنا به دست می‌آید که از همه‌چیز می‌توان توبه کرد. از هر خطا و اشتباه و گناه کوچک و بزرگ و زشتی‌ها و پستی‌های اخلاقی و رفتاری و فکری و روحی و جسمی و جانی می‌توان توبه کرد و باید توبه کرد. به‌عنوان نمونه می‌توان از زنا، ارتداد، استهزاء، اسراف، بیان القاب زشت به دیگران، انحرافات جنسی، بخل، تلیث، تجسس، ترک نماز، تضیع حقوق دیگران، ریاخواری، بدگمانی، دزدی، شرک، شکنجه و عذاب دیگران، شهوت‌رانی، ظلم و بیداد، عیب‌جویی، فرار از جهاد، غیبت، تهمت، فسساد، قتل، قذف و تهمت زنا، کتمان حق، کفر، شرک، گناه، محاربه با اسلام و مسلمانان، نفاق و امور دیگر توبه کرد و همه اینها پذیرفته می‌شود و خداوند از گناهکار و خطاکار و زشتکار در می‌گذرد. منتها مشروط بر آنکه در توبه‌اش

هر چند توبه یک چک سفید امضا از سوی خداوند برای بازگشت از گناه است اما همگان توفیق توبه پیدا نمی‌کنند؛ زیرا افزایش گناه دل‌ها را دگرگون می‌کند و شخص به‌گونه‌ای تحت تسلط نفس اماره در می‌آید که دیگر وجدان و نفس لوامه با سرزنش‌هایش نمی‌تواند او را تغییر کند.

حتی زمانی می‌رسد که نفس لوامه دفن می‌شود و نفس اماره حاکم مطلق می‌شود و زشتی‌ها را زیبا جلوه می‌دهد و با تسویل و تزین، شخص را از حقایق دور می‌سازد و امکان توبه را از او می‌گیرد. خداوند می‌گوید دل‌های گناهکاران کافر و منافق را مهر می‌نهد، به سبب همین کاری است که خود آنان با دست‌های خود مرتکب شده و بر سر دل و قلب خود آورده‌اند.(بقره، آیات ۸ تا ۱۲) خداوند باید توفیق توبه را به انسان بدهد، به این معنا که از رحمت خویش و فضل و عنایت خاص می‌بندد نگاهی اندازد و با آنکه دل‌ها زنگار گرفته

است، و او را به مسیر حق هدایت کند و هدایتی خاص را نصیب و بهره او سازد.(بقره، آیات ۳۷، ۵۴ و ۶۴، ۱۲۸ و ۱۶۰؛آل‌عمران، آیه۱۲۸؛ نساء، آیات ۱۷ و ۲۶ و ۲۷)

البته دریافت توفیق زمینه‌هایی نیاز دارد که یکی از آنها رحمت الهی است(همان آیات) به این معنا که خداوند نسبت به بنده از خشم برگردد و غضب خود را متوجه او نسازد و از مقام رحمت با این بنده خطاکار مواجه شود و او را امکان توبه دهد. از این‌رو گفته‌اند هر توبه‌ای از انسان همراه با دو توبه از خداوند است که در بیش و پس توبه انسان قرار می‌گیرد؛ چرا که خداوند نخست از در رحمت به این بنده می‌نگرد و به سوی او بازمی‌گردد و توجه و عنایتی به او می‌اندازد و بنده با توجه الهی توبه می‌کند و سپس خداوند دوباره توبه بنده را می‌پذیرد.

برای اینکه توفیق الهی نصیب ما شود، باید نیت خود را خالص و خوب کنیم، در این‌باره امام علی(ع) می‌فرماید: *مَنْ حَسَّنَتْ نِيَّتَهُ اَمَدَهُ التَّوْفِيقُ*؛ هرکس نیتش خوب باشد، توفیق بی‌ارش خواهد کرد. (نهج‌البلاغه، خطبه ۱۸۴)

بی‌گمان توفیق سعادت است که نصیب هرکسی نمی‌شود. توفیق توبه نیز این‌گونه است. امام علی(ع) می‌فرماید: *التَّوْفِيقُ مِِنَ السَّمَادَةِ وَالتَّجْدَانِ مِنَ السَّقَاةِ*؛ وفق انجام کار نیک از خوشبختی و بی‌توفیقی از بدبختی است.(بهارالانوار، ج ۸، ص ۱۲، ج ۷) البته انسان بهتر است که هرگز گناه نکند؛ چون توبه هرچند دری از رحمت الهی به سوی بندگان است، ولی توبه کردن و توفیق توبه به دست آوردن

انسان بهتر است که در جوانی و بیش از چهل‌سالگی توبه کند و خود را از گناهان دور نگه دارد، زیرا پس از چهل‌سالگی دیگر کمتر توفیق توبه داده می‌شود و دل‌ها سیاه شده و زنگار می‌بندد و خشم الهی نیز نسبت به چنین بنده‌ای که چهل سال به او مهلت توبه داده شده ولی توبه نکرده است افزون می‌شود.

درخصوص توبه در جوانی می‌فرماید: *الْعَدْلُ حَسَنٌ وَلَكِنَّ فِي الْاَمْرَاءِ اُخْسَنُ، وَ الشَّعْءُ حَسَنٌ وَلَكِنَّ فِي الْاَغْنِيَاءِ اُخْسَنُ، اَلْوَرَعُ حَسَنٌ وَلَكِنَّ فِي الْاَلْمَاءِ اُخْسَنُ، اَلصَّبْرُ حَسَنٌ وَلَكِنَّ فِي الْفُقَرَاءِ اُخْسَنُ، اَلتَّوْبَةُ حَسَنٌ وَلَكِنَّ فِي الشَّيْبَانِ اُخْسَنُ، الْاِحْيَاءُ حَسَنٌ وَلَكِنَّ فِي السَّمَاءِ اُخْسَنُ؛* عدالت نیکو است اما از دل‌نرم‌دان نیکوتر، سخاوت نیکو است اما از ثروتمندان نیکوتر؛ تقوا نیکو است اما از علما نیکوتر؛ صبر نیکو است اما از فقرا نیکوتر، توبه نیکو است اما از جوانان نیکوتر و حیا نیکو است اما از زنان نیکوتر.(نهج‌الصفاحه، ج ۲۰۰۶)

در جوانی پاک بودن شیوه پیغمبری است

ور نه هر گبری به پیری می‌شود.برهیز کار

خیلی سخت است و گاه برای برخی اصلا اتفاق نمی‌افتد. پس ترک گناه بهتر از توبه کردن است. چنان‌که امام علی(ع) هشدار می‌دهد و می‌فرماید: *تُرِكَ الذَّنْبِ اَهْوَنُ مِنْ طَلَبِ التَّوْبَةِ*.گناه نکردن آسان‌تر از طلب توبه است.(کافی، ج ۸، ص ۳۸۴)
آداب توبه و گمراهی توبه

برای توبه آدابی است که مهم‌ترین آنها این است که انسان متوجه مسیر نادرست خود شده و خواهان بازگشت به مسیر انسانی گردد. پس درک اینکه خطا و اشتباه و گناه می‌کند و این رویه نادرست و زشت است و باید آن را ترک کند، مهم‌ترین مسئله در توبه است. بسیاری از مردم با خطا و اشتباه خود را نمی‌بینند یا آن را خطا و اشتباه و گناه نمی‌شمارند. مثلا دست‌دست دادن مردان و زنان نامحرم مثل دست دادن خواهریزن و دامساد خانواده یا دخترعموها و پسرعموها و یا دخترخاله‌ها و پسرخاله‌ها مانند آنکه برخی گمان می‌کنند گناه نیست؛ یا بیرون آوردن موها و گیوسان از سوی دختران و زنان یا نپوشاندن ساق دست و پا و مانند آن از سوی زنان و مانند آن، که برخی گمان می‌کنند که گناه نیست تا توبه کنند و مسیر درست را ببینایند.

برای اینکه شناختی نسبت به حقایق داشته باشیم و بدانیم که خطاهای ما چیست، بهره‌مند شدن از دوستان عاقل خیلی مفید است. از این‌رو امام کاظم(ع) آن را یکی از توفیقات الهی می‌داند: *سَمَاعُؤُهُ الْعَاقِلِ التَّامِحِ يَسُنُّ وَ تَرْكُهُ وَ زَسَدُ وَ تَوْفِيقٌ مِّنَ اللَّهِ*؛ مشورت با عاقل خیرخواه، خستگی، برکت، رشد و توفیقی از سوی خداست. (تحف‌العقول، ص ۳۹۸)

وقتی انسان گناه و خطای خود را شناخت و دانست و به آن اقرار کرد، بیان گام نخست توبه خواهد بود.(اعراف، آیه۲۳، توبه، آیه۱۰، نمل، آیه۴۴؛ قصص، آیه۱۶؛ قلم، آیات ۲۹ تا ۳۲)

پس از شناخت و اقرار گام دوم برداشته می‌شود و انسان به کسان یا چیزهایی متوسل می‌شود که او را به سوی خداوند بازگرداند که از مهم‌ترین آنها توسل به پیامبر(نساء، آیه۴۴؛ بقره، آیه۲۷؛ معجم‌البیان، ج ۱، ۲۰، ص ۲۰۰؛ الذرالمشور، ج ۱، ص ۱۱۹) و اهل‌بیت آن حضرت(ص) است. (معجم‌البیان، ج ۱-۲، ص ۲۰۰؛ الذرالمشور، ج ۱، ص ۱۱۹)
چرا که شفاعت و دعای ایشان بسیار تاثیرگذار است و رضایت خداوند را به همراه خواهد داشت.

پس با توسل به این خاندان(ع) و با اخلاص و توبه‌نصوح(تحریم، آیه۴) ذکر خداوند را بر زبان جاری سازد و بگوید: استغفرالله ربی و اتوب الیه. (بقره، آیه ۲۷؛ نساء، آیه ۶۴)

نشانه‌های توبه

برای هر چیزی نشانه‌ای است حتی اگر یک امر باطنی باشد؛ از این‌رو برای ایمان که ادعان و اقرار قلبی است یا هر امر دیگری از این دست، نشانه‌هایی گفته شده است.

برای توبه نشانه‌هایی است که در توبه‌کاران دیده می‌شود. رسول‌اکرم(ص) درباره نشانه‌های توبه کار می‌فرماید: *«الَّذِينَ اتَّابُوا فَارْتَبَهُ: اَلتَّصَبُّحُ بِلَهِّ عَمَلِهِ وَ تَرْكِ الْبِاطِلِ وَ لَزُومُ الْحَقِّ وَ الْحِرْصُ عَلَى الْخَيْرِ»*؛ نشانه توبه‌کننده چهار است: عمل خالصانه برای خدا، رها کردن باطل، یابیندگی به حق و حریص بودن در کار خیر.(تحف‌العقول، ج ۲، ص ۶۴)

یکی از نشانه‌های توبه‌کار بودن، پشیمانی است. وقتی در چهره و رفتار آدمی ندامت دیده شد، بهتر است که دیگر او را سرزنش نکنیم. امام باقر(ع) می‌فرماید: *كُنْ بِاللَّذَمِّ تَوْبَةً*؛ پشیمانی از گناه برای توبه کافی است.(بهارالفتح، ص ۷۷۰)

صفحه ۷
شنبه ۱۳ آبان ۱۴۰۲
۱۹ ربیع‌الثانی ۱۴۴۵ – شماره ۳۳۴۳۵

۱- بحارالانوار، ج ۷۸، ص ۸۲، ج ۷۸ح

چراغ راه

عوامل موثر در فساد

عوامل و چگونگی اصلاح رفتار انسان‌ها

قال الامام علی(ع): «فساد الاخلاق بمعاشره السفهاء، و صلاح الاخلاق بمنافسه العقلاء، و الخلق اشکال، فکل يعمل علی شاکلته».

امام علی(ع) فرمود: معاشرت با ناپرخدان، اخلاقی را فاسد و رقابت با عقلاء اخلاقی را اصلاح می‌نماید. مردم (در اخلاقی و رفتار و افکار) متقلند، و هر کس براساس اندیشه و شخصیت درونی خود رفتار می‌کند.^(۱)

۱- بحارالانوار، ج ۷۸، ص ۸۲، ج ۷۸ح

حکایت خوبان

توصیه‌های کاربردی سبک زندگی اسلامی

در سفارش‌های پیامبراکرم(ص) به ابودر آمده است که آن حضرت فرمودند: سزاوار شخص خردمند این است که دارای بصیرت و شناخت نسبت به زمان خود باشد، و به برنامه‌هایی روی آورد که در شأن و مقام او باشد، و حافظ و نگهدار زبانش (از هرزگویی و غیبت و تهمت و…) باشد، بدون تردید کسی که گفتارش را از عملش حساب کند، کمتر سخن می‌گوید مگر آنچه برایش خیر داشته باشد.^(۱)

۱- الحصال، شیخ صدوق، ج ۲، ص ۵۲۳، ج ۱۳ح

پرشش و پاسخ

عوامل تربیت اسلامی (۱)

پرشش:

برای رسیدن به تربیت صحیح اسلامی و کسب اخلاق فاضله، چه عواملی را آموزه‌های و حیاتی اسلام مورد توجه و تاکید قرار داده است؟

پاسخ:

از منظر آموزه‌های وحیانی اسلام، اهم عوامل تربیت صحیح و کسب اخلاق فاضله به شرح ذیل می‌باشد.

۱- پرورش تعقل، تفکر و تعلم

شکی نیست که تعلیم و تعلم و تعقل و تفکر باعث رشد عقلائیت انسان و ارتقای سطح معرفت و کمالات شناختی او نسبت به حقایق جهان هستی می‌شود، و حکم قرآه را برای سیر و سلوک در مسیر تربیت صحیح و کسب اخلاق فاضله خواهد داشت. قرآن کریم با صراحت در این زمینه می‌فرماید: لو کنا نسمع او نعقل، ما کنا من اصحاب السعیر»؛ اگر گوش شنوا داشتیم، با تعقل و اندیشه‌ورزی می‌کردیم، از اصحاب آتش دوزخ نبودیم.(ملک- ۱۰)

۲- تقوا و تزکیه نفس

عامل دیگری که در تربیت صحیح و کسب اخلاق فاضله از منظر آموزه‌های وحیانی اسلام تاثیرگذار است، مسئله تقوا و تزکیه نفس است. تقوا و تزکیه نفس موجب پرورش اراده انسان می‌شود، و این تقویت و پرورش اراده، موجب‌به فعلیت رسیدن تمامی ظرفیت‌های بالقوه انسان را فراهم می‌آورد و در نهایت تربیت صحیح و کسب فضایل اخلاقی را محقق می‌سازد. آری تقوا و تزکیه نفس به اراده اخلاقی انسان، قدرت و توانایی به کار بستن می‌دهد که این پدیده تا حدودی در مکتب‌های غیرمذهبی هم هست. ولی نه به این شکل متعالی و مقدسی که در مکاتب مذهبی وجود دارد.

بنابراین تقوا و تزکیه نفس، آثار و فواید فراوانی برای فرد و جامعه دارد که از جمله اهم این فواید موارد زیر را می‌توان برشمرد:

۱- فلاح و رسنگاری و به فعلیت رساندن استعدادها و ظرفیت‌های

باقیه
۲- جلب محبت خداوند؛ «خداوند پاک‌شوندگان را دوست می‌دارد.»(توبه-۱۰۸)

۳- فهم معانی باطنی قرآن: «به معنای باطنی قرآن، یک باذلان و پاکشدگان دست‌نخوانند یافت.»(واقعه-۷۹)

۴- پاداش الهی: «پاداشی به شما داده نمی‌شود جز اعمالی که انجام داده‌اید.»(صافات-۳۶)

اما اهم عواملی که در تهذیب نفس ما را یاری می‌کنند عبارتند از:

۱- تفکر ۲- توجه به کرامت انسانی ۳- مشارطه ۴- مراقبه ۵- محاسبه

۶- مؤاخذة و مجازات
۳- عبادت

عامل سومی که برای تربیت صحیح و کسب اخلاق فاضله تاثیر گذار است، عبادت و بندگی خالصانه خدای متعال است. همان‌طور که ایمان، خودش به توبه خود منشأ عبادت است، عبادت هم تقویت‌کننده ایمان است. یعنی تاثیر متقابل ایمان و عمل در یکدیگر، به بیان دیگر ایمان به توبه خود منشأ عمل می‌شود، و عملی که منبت از ایمان است، خودش منشأ تقویت همان ایمان می‌گردد. روح عبادت تذکر و یاد خدا بودن است؛ «هماز را برای یادآوری می‌به یاددارند.»(طه-۱۴) و در آیه دیگری می‌فرماید: «همانا نماز انسان را از فحشا و منکر بازمی‌دارد و قطعاً یاد خدا بزرگ‌تر (از همه‌چیز) است.»(عنکبوت-۴۵) اسلام به عبادت شکل و چارچوب داده، و به انجام آن هم نهایت اهمیت را داده که در چگونگی تربیت صحیح انسان و کسب فضایل انسانی من مؤثر است. درواقع یکی از مهم‌ترین خصوصیات شکلی که اسلام به عبادت داده، مسئله تمرین ضبط نفس در هنگام عبادت است. در این رابطه نماز و اقله عبادت جامع و عجیبی است. البته این خصوصیت در حج هم هست ولی به صورت دیگری، یعنی همان‌جا که انسان محرم می‌شود، خود را ضبط کرده و از برخی امور معنی می‌نماید و تمرین ضبط نفس می‌کند. روزه هم همین‌طور است. البته به شکل دیگری، به هر حال اسلام به خاطر یک مصلحت اجتماعی بسیار مهم، برای اینکه روح مسلمانان را روح اجتماعی کرده باشد، آن را با چاشنی عبادت به مردم ارائه داده است.

۱- کمال انسان و انسان کامل، شهید مرتضی مطهری(ره)، پیشین مطهر، ج ۳۰، ص ۴۱

سلوک عارفانه

تضمین سعادت با توأمانی ایمان و عمل صالح
این‌طور نیست که هر چه هست عمل و فعالیت و کوشش است، بلکه اگر ایمان را از عمل بگیریم، یک پایه را خراب کرده‌ایم. قرآن همیشه می‌گوید: «الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ»؛ اگر ایمان منهای عمل باشد، یک رکن سعادت وجود دارد، ولی رکن دیگر آن موجود نیست، و اگر عمل را بگیریم، و ایمان را رها کنیم، باز هم درست نیست. خیمه سعادت روی یک پایه نمی‌ایستد.^(۱)

۱- کمال انسان و انسان کامل، شهید مرتضی مطهری(ره)، پیشین مطهر، ج ۳۰، ص ۴۱

صفحه معارف روزه‌های: شنبه، یک‌شنبه
سه‌شنبه و پنج‌شنبه متشرف می‌شود
تلفن‌هاست: ۰۲۱۹۱۹۹۱۹۹۹۳۵۲۱
MaarefKayhan@Kayhan.ir